

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ
الرَّحِيمِ



دانشگاه اسلامی
واحد مرودشت

دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی

گروه مشاوره

پایان نامه برای دریافت درجه کارشناسی ارشد

(M.A) در رشته مشاوره

عنوان:

اثر بخشی آموزش ارزش های زندگی به
کودکان پیش دبستانی بر میزان سلامت
روان، رشد اجتماعی آنان و خودکارآمدی
والدین

استاد راهنما :

دکتر ژاله رفاهی

استاد مشاور:

دکتر صدراله خسروی

نگارش :

نازفر مقتدری

تابستان ۱۳۹۰

تقدیر و تشکر

حمد و سپاس ایزدمنان را که توفیق آموختنم آموخت که
همانا آموختن فلسفه خلقت بشریت است.

اینکه که با یاری ذات بی همتای دوست و با همراهی
بندگان پر مقدارش جرعه ای از دریای معرفتش نصیب
اینجانب گردیده است، مفتخرم با تقدیم خالصانه
ترین احترامات از زحمات این عزیزان تقدیر نمایم و
بدین وسیله فرصت را جهت تجدید ارادت و سپاس

خدمت استاد محترم راهنما سرکار خانم دکتر ژاله رفاهی

و استاد گرانقدر مشاور جناب آقای دکتر صدرااله
خسروی مغنم می شمارم

و نیز از همه ی دوستانی که این سفر علمی و پرخطر
را غنا بخشیدند به خصوص سرکار خانم نجمه آگنج .

تقدیم

به

پدر و مادر عزیزم

که دست یاری و گرمای مهرشان ، تجلی
عنایت بی پایان الهی است

چکیده

هدف از این پژوهش تبیین اثربخشی آموزش ارزش های زندگی به کودکان پیش دبستانی بر سلامت روان، رشد اجتماعی آنان و خودکارآمدی والدین آنها بود. این پژوهش از نوع آزمایشی با طرح پیش آزمون - پس آزمون با گروه کنترل بود. جامعه آماری شامل کلیه کودکان پیش دبستانی که در مهد کودک های تحت پوشش سازمان بهزیستی شهر شیراز در سال ۱۳۸۹ وجود داشت، بودند که با روش نمونه گیری خوشه ای چند مرحله ای تعداد ۳۵۱ کودک انتخاب، و پرسشنامه سلامت روان (psc) و رشد اجتماعی واینلند برای کودکان و پرسشنامه خودکارآمدی شرر و آدامز برای والدین آنها اجرا شد. بعد از تکمیل پرسشنامه ها، تعداد ۳۰ نفر از افرادی را که از حد نصاب نمره پایین تر بودند به صورت هدفمند انتخاب و در دو گروه آزمایش و کنترل به طور تصادفی تقسیم شدند. گروه آزمایش ۱۰ جلسه ۲ ساعته تحت آموزش ارزش های زندگی قرار گرفتند. داده های جمع آوری شده با استفاده از نرم افزار spss و آزمون آماری تحلیل واریانس چند متغیره و کوواریانس آنالیز شدند.

نتایج پژوهش نشان داد که تفاوت در دو گروه آزمایش و کنترل از نظر میزان سلامت روان ($p < 0/0001$)، رشد اجتماعی ($p \leq 0/002$) و خودکارآمدی والدین ($p \leq 0/02$) به سطح معنادار رسیده است. اندازه اثر آموزش به ترتیب ۷۵، ۳۰ و ۱۸ درصد می باشد. بنابراین آموزش ارزش های زندگی به کودکان بر

سلامت روان، رشد اجتماعی آنان و خودکارآمدی والدین
آنها مؤثر است.

واژه های کلیدی: ارزش های زندگی، سلامت روان، رشد
اجتماعی، کودکان، خودکارآمدی

فهرست مطالب

عنوان

صفحه

فصل اول : کلیات پژوهش

مقدمه	۲
بیان مسأله	۶
اهمیت و ضرورت	۱۴
اهداف پژوهش	۱۸
فرضیه های پژوهش	۱۸
تعاریف نظری و عملیاتی متغیرها	۱۹

فصل دوم: ادبیات تحقیق

مقدمه	۲۴
پیشینه نظری	۲۴
خودکارآمدی	۲۴
رشد اجتماعی	۳۸
سلامت روان	۴۲
ارزش های زندگی	۵۲

پیشینه تحقیقات انجام شده	۵۸
سوابق تحقیق در خارج از ایران	۵۸
سوابق تحقیق در ایران	۶۲

فهرست مطالب

عنوان	صفحه
--------------	-------------

نتیجه گیری	۶۹
------------	----

فصل سوم : روش شناسی تحقیق

مقدمه	۷۱
-------	----

روش پژوهش	۷۲
-----------	----

جامعه آماری	۷۲
-------------	----

نمونه آماری و روش نمونه گیری	۷۲
------------------------------	----

ویژگی های دموگرافیک نمونه	۷۳
---------------------------	----

ابزار گردآوری

اطلاعات

.....

.....	۷۶
-------	----

پرسشنامه سلامت روان (PSC)	۷۶
---------------------------	----

پرسشنامه رشد اجتماعی واینلند	۷۸
------------------------------	----

پرسشنامه خودکارآمدی	۷۹
---------------------	----

روش اجرای پژوهش	۸۰
-----------------	----

روش های آماری تجزیه و تحلیل اطلاعات	۸۲
-------------------------------------	----

فصل چهارم: تجزیه و تحلیل داده ها

مقدمه	۸۴
-------	----

یافته های پژوهش	۸۵
-----------------	----

فهرست مطالب

فصل پنجم: بحث و نتیجه گیری

۹۵ خلاصه پژوهش
۹۶ بحث و نتیجه گیری
۱۰۴ دستاوردهای اصلی پژوهش
۱۰۵ محدودیت های پژوهش
۱۰۵ پیشنهادهای پژوهش

فهرست منابع و مآخذ

۱۰۷ منابع فارسی
۱۱۸ منابع انگلیسی

پیوست

پیوست الف : طرح جلسات آموزش ارزش های زندگی

پیوست ب : پرسشنامه ها

چکیده انگلیسی

فهرست جدا اول

جدول ۳-۱- فراوانی و درصد فراوانی و مجذور خی دو

جنسیت آزمودنی های مورد مطالعه ۷۳

جدول ۳-۲- فراوانی و درصد فراوانی و مجذور خی دو
وضعیت اقتصادی والدین آزمودنی های مورد مطالعه .. ۷۳
جدول ۳-۳- فراوانی و درصد فراوانی و مجذور خی دو
وضعیت رفتن به مهد کودک آزمودنی های مورد
مطالعه ..
.....
.....
..... ۷۴

جدول ۳-۴- فراوانی و درصد فراوانی میزان تحصیلات
پدر در دو گروه آزمایش و کنترل ۷۴
جدول ۳-۵- فراوانی و درصد فراوانی میزان تحصیلات
مادر در دو گروه آزمایش و کنترل ۷۵
جدول ۳-۶- فراوانی و درصد فراوانی میزان شغل پدر
در دو گروه آزمایش و کنترل ۷۵
جدول ۳-۷- فراوانی و درصد فراوانی میزان شغل مادر
در دو گروه آزمایش و کنترل ۷۶
جدول ۳-۸- طرح جلسات آموزش ارزش های زندگی بر
اساس محتوای تدوین شده توسط مؤسسه پژوهشی کودکان
دنیا ۸۱
جدول ۴-۱- میانگین و انحراف معیار پیش آزمون و پس
آزمون متغیرهای مورد مطالعه در دو گروه آزمایش و
کنترل ۸۵
جدول ۴-۲- آزمون شاپیروویلک در مورد نرمال بودن
توزیع نمرات سه متغیر در دو گروه ۸۶
جدول ۴-۳- آزمون باکس در مورد پیش فرض تساوی
واریانس ها ۸۶
جدول ۴-۴- نتایج تحلیل چند متغیره (مآنوا)
متغیرهای مورد بررسی در دو گروه آزمایش و کنترل .. ۸۷

فهرست جداول

- جدول ۴-۵- نتایج آزمون لوین در مورد پیش فرض
 واریانس های سلامت روان کودکان در دو گروه ۸۸
- جدول ۴-۶- میانگین های تعدیل شده نمرات سلامت روان
 کودکان در دو گروه آزمایش و کنترل ۸۸
- جدول ۴-۷- نتایج آزمون کوواریانس نمرات سلامت روانی
 کودکان در دو گروه آزمایش و کنترل ۸۸
- جدول ۴-۸- نتایج آزمون لوین در مورد پیش فرض
 واریانس های رشد اجتماعی کودکان در دو گروه ۸۹
- جدول ۴-۹- میانگین های تعدیل شده نمرات رشد
 اجتماعی کودکان در دو گروه آزمایش و کنترل ۸۹
- جدول ۴-۱۰- نتایج آزمون کوواریانس نمرات رشد
 اجتماعی کودکان در دو گروه آزمایش و کنترل ۹۰
- جدول ۴-۱۱- نتایج آزمون لوین در مورد پیش فرض
 واریانس های خودکارآمدی والدین در دو گروه ۹۰
- جدول ۴-۱۲- میانگین های تعدیل شده نمرات
 خودکارآمدی والدین در دو گروه آزمایش و کنترل ۹۱
- جدول ۴-۱۳- نتایج آزمون کوواریانس نمرات
 خودکارآمدی والدین در دو گروه آزمایش و کنترل ۹۱
- جدول ۴-۱۴- نتایج آزمون تحلیل واریانس به منظور
 بررسی عوامل دموگرافیک آزمودنی ها ۹۲

فهرست شکل ها

صفحه

عنوان

شکل ۱-۲- منابع و تأثیرات عقاید کارآیی..... ۳۷

فصل اول

کلیات پژوهش

مقدمه

همه ی ما چنین جملاتی را بارها شنیده ایم که ((کودکی مهم ترین دوره زندگی فرد است))، ((شخصیت فرد در کودکی شکل می گیرد))، ((سال های ابتدایی زندگی از اهمیت ویژه ای برخوردار است)). تأکید بر سال های کودکی و مسائل مربوط به آن مقوله ای جهانی است و فرهنگ های مختلف عموماً در این زمینه هم‌رأی و موافق هستند (گلدارد و گلدارد^۱، ترجمه برآبادی، ۱۳۸۸).

کودکان ارزشمندترین سرمایه جامعه و گرانبها ترین هدیه هایی هستند که خداوند به عنوان امانت به والدین سپرده است. هر کودک که در محیط خانواده رشد می کند چنانچه نیازهای جسمی و روانی او بر آورده شود، به صورت فردی سالم وارد اجتماع می شود و شکی نیست که سلامت اجتماع با سلامت افراد خانواده تضمین خواهد شد (مرندی، ۱۳۸۰ به نقل از برادران رضایی، خرسند، امامی مقدم و کوشافر، ۱۳۸۲).

سازمان بهداشت جهانی (WHO^۲) در سال ۱۹۱۸ در مقدمه اساس نامه این سازمان سلامتی را عبارتند از، رفاه کامل جسمی، روانی و نه تنها بیمار یا معلول نبودن تعریف کرده است. در سالهای اخیر توانایی داشتن یک زندگی خوب از نظر اقتصادی و اجتماعی به این تعریف اضافه شده است (شمشیری نیا، ۱۳۸۸).

¹ - Geldard & Geldard

² - world health organization

هوهان^۱ (۱۹۹۵) یکی از نظریه پردازان معاصر سلامت روانی^۲ را وضعیتی از بلوغ روانشناختی تعبیر می کند و آن را حداکثر رضایت به دست آمده از کنش های فردی و اجتماعی می داند. این واکنش ها را نیز شامل بازخوردهای مثبت به خود و دیگران در نظر می گیرد. یکی از شرایط لازم برای دستیابی به سلامت روان، برخورداری از یک نظام ارزشی است و چنانچه چاهن^۳ می گوید بهره مندی از یک سلسله ارزش های شخصی و فلسفه ای مبتنی بر باورها، آرزوها و آرمانهایی که با سعادت و تحقق خود و اطرافیان فرد پیوندی نزدیک دارد، شرط لازم برای دستیابی به سلامت روان است (به نقل از هنرپروران، ۱۳۸۶).

رفتار اجتماعی پایه و اساس زندگی فرد را تشکیل می دهد و رشد اجتماعی^۴ نیز به نوبه خود سبب اعتلای رشد عقلانی و سایر جنبه های رشدی فرد می گردد. منظور از رشد اجتماعی، نضج فرد در روابط اجتماعی است به طوریکه بتواند با افراد جامعه اش هماهنگ و سازگار باشد، به عبارت دیگر وقتی فرد را اجتماعی می خوانند که نه تنها با دیگران باشد بلکه با آنان همکاری نیز انجام دهد (وایتسمن، مایر و کلرمنینگر^۵، ترجمه نظری، ۱۳۸۴).

رشد اجتماعی به مجموعه متوازنی از مهارت های اجتماعی و رفتارهای انطباقی فرا گرفته شده مربوط است که فرد را قادر می سازد با افراد دیگر روابط متقابل مطلوب داشته باشد، واکنش های مثبت بروز

¹ - Hauhan

² - mental health

³ - Chahen

⁴ - social grows

⁵ - Whitzman , Mayer & Keler meninger

دهد و از رفتارهایی که پیامد منفی دارد اجتناب ورزد. وجود مهارت هایی چون همکاری، مسئولیت پذیری، همدلی، خویشن داری و خوداتکایی از مؤلفه های رشد اجتماعی به شمار می روند (کارتلج و میلبرن^۱، ترجمه نظری نژاد، ۱۳۸۵).

خانواده، یکی از مهم ترین و اساسی ترین نهادی است که بر رشد و نمو کودک یاری فراوانی می رساند و کودک برای اولین بار در این جمع است که جهان پیرامون خود را لمس می نماید (فخرزاد، ۱۳۸۵).

خانواده می تواند عامل سازنده کودک در زمینه جسمی، روانی، عاطفی، ذهنی و مانند آن باشد و همچنین می تواند عامل انحراف کودک باشد (نجاتی، ۱۳۸۸).

بندورا^۲ (۱۹۸۲) معتقد است خودکارآمدی^۳ والدین، ساختار شناختی بالقوه مهمی است که با عملکرد خانواده و کودک رابطه دارد. همچنین خودکارآمدی را انجام عمل مطلوب که منعکس کننده ادراکات افراد است توصیف می کند (به نقل از تریسی و رونالد^۴، ۲۰۰۵).

مورفی و الکساندر^۵ نیز خودکارآمدی را یک عامل برانگیزاننده می دانند که افراد با عبارتی نظیر من می توانم و یا من نمی توانم به قضاوت در مورد توانایی هایشان می پردازند (به نقل از سی اگل و مک کواچ^۶، ۲۰۰۷).

^۱ - Kurttlej & Melborn

^۲ - Bandura

^۳ - self efficacy

^۴ - Tracy & Ronald

^۵ - Murphy & Alexander

^۶ - Siegle & McCoach

بندورا (۱۹۹۷) همچنین مطرح می کند که خودکارآمدی توان سازنده ای است که بدان وسیله مهارت های شناختی، اجتماعی، عاطفی و رفتاری انسان برای تحقق اهداف مختلف، به گونه ای اثربخش سازمان دهی می شوند. به نظر وی داشتن دانش ها، مهارت ها و دستاوردهای قبلی افراد پیش بینی کننده های مناسبی برای عملکرد آینده افراد نیستند، بلکه باور انسان درباره توانایی های خود در انجام آن ها بر چگونگی عملکرد خویش مؤثر است. بین داشتن مهارت های مختلف با توان ترکیب آنها به روش های مناسب برای انجام وظایف در شرایط گوناگون، تفاوت آشکار وجود دارد (به نقل از مشفقی، ۱۳۸۸).

عملکرد سالم و مطلوب خانواده مستلزم آن است که اعضای خانواده بپذیرند و ایمان بیاورند که دستیابی به آن در گرو غنای فرهنگی، توازن و تعادل در قدرت و رهبری و حرکت رو به رشد اعضاء در مراحل چرخه زندگی است (دپاول^۱، ۲۰۰۶).

زندگی در فضایی سرشار از صلح، عدالت، آزادی، مردم سالاری و معنویت حق همه ی انسان ها است. اگر بخواهیم برای همه افراد بشر در تمام نقاط دنیا زندگی شایسته و پر معنایی فراهم شود، لازم است که همه ی مردم دنیا برای رسیدن به چنین سطحی از زندگی تلاش کنند. توجه به ارزش های زندگی^۲ بخشی از اخلاق جهانی است. این ارزش ها زمانی معنا پیدا می کنند که در ما درونی شوند و همچون بخشی از رفتارهایمان در زندگی روزمره تجلی پیدا کنند. برای هر انسانی لازم است که این توانایی ها را بیاموزد و در زندگی خود

¹ - Depaul

² - life values

از آن استفاده کند. اما اصل مهمتر این است که ارزش های زندگی را باید از کودکی آموخت (یوسفی و یوسفی، ۱۳۸۸).

بیان مسئله

کودکان سرمایه های ارزشمند و سازنده آینده جامعه هستند و از آنجا که سالهای نخست زندگی زمان دگرگونی های عظیمی در حیات کودکان است و تأثیر آن بسیار ماندگار می باشد، تضمین حقوق کودک باید از همان آغاز زندگی او شروع شود (رحیمی و سلیمانی نیا، ۱۳۸۷).

بدیهی است که سلامتی به عنوان یک هدف اجتماعی در جهان شناخته شده و برای ارضای نیازهای اساسی و بهبود کیفیت زندگی انسان حیاتی است و باید برای همه انسان ها در دسترس باشد (WHO، ۲۰۰۷).

هر جامعه ای به عنوان بخشی از فرهنگ خود مفهوم خاصی از سلامتی دارد. سازمان بهداشت جهانی (WHO) سلامت روانی را قابلیت ارتباط موزون و هماهنگ با دیگران، تغییر و اصلاح محیط فردی و اجتماعی و حل

تضاد و تمایلات شخصی به طور عادلانه و مناسب می داند (شریفی و رنجبر، ۱۳۸۲).

سلامت فکر می تواند در ایجاد تحرک پیشرفت و تکامل فردی و اجتماعی کمک کند. اگر سلامت روانی بر فرد حاکم شود راه برای تکامل فردی و اجتماعی باز می شود. قدم نخست در احراز سلامت روانی، دوری از هرنوع اختلالات روانی است. بنابراین برای رعایت سلامت روانی لازم است عواملی که سر راه رشد و تکامل روانی است و ممکن است فرد را به سوی بیماری روانی سوق دهد مشخص و کنترل کند (گروسی فرشی و مانی، ۱۳۸۳).

لازم به ذکر است که سلامت روانی با ویژگی های توانمندساز درونی یا منابع درونی قدرت ارتباط دارد. برخورداری از این منابع درونی توانایی فرد را، با وجود شرایط ناگوار و پیشامد های منفی، برای رشد سازگارانه خود افزایش می دهد تا سلامت روان خود را حفظ نماید (رحیمیان بوگر، ۱۳۸۷ به نقل از آگنج، مقتدری، ۱۳۸۹).

می توان گفت، هدف از بهداشت روان، پیشگیری از ابتلا و کاهش شیوع و جلوگیری از عوارض اختلالات و بیماری های روانی است (حسینی، موسوی، رضازاده، ۱۳۸۲).

در بعضی از تعریف های سلامت روانی، سازگاری با محیط اهمیت زیادی دارد. طبق این تعاریف، شخصی که بتواند با محیط خود، خوب سازگار شود از نظر بهداشت روانی بهنجار خواهد بود، تعارض های خود را با بیرون و درون حل خواهد کرد و در مقابل ناکامی های اجتناب ناپذیر زندگی مقاومت خواهد داشت. بنابر

این لازمه برخورداری از سلامت روانی در سطح عالی این است که شخص بتواند در موقعیت های دشوار انعطاف پذیر بوده و توانایی این را داشته باشد که در هر موقعیتی تعادل روانی خود را بازیابی کند (حسینی، ۱۳۸۰).

رشد و تکامل انسان در دوره شیرخوارگی و کودکی از نظر رشد اجتماعی، عاطفی، شناختی و جسمانی دارای ویژگی هایی است که می تواند کودک را از نظر سلامت روانی آسیب پذیر سازد. اکثر روانشناسان معتقدند که کمبودهای کیفی و کمی در رابطه اولیه بین مادر و نوزاد اختلال در سلامت روان را در پی خواهد داشت. همانطور که طرد شدن کودک برای کودک مضر است، محبت بیش از حد و توجه زیاد نیز حس استقلال طلبی را در کودک از بین برده و باعث کاهش اعتماد به نفس و افزایش اضطراب می شود. عدم مناسبات صحیح پدر و مادر و مناقشات فی مابین از عوامل مهم مشکلات روانی در کودک می باشد (هنرپروران، ۱۳۸۶).

خانواده ای که والدین آن با یکدیگر رابطه صمیمانه و دوستانه ای داشته باشند، موجب رشد کمی و کیفی کودک شده و وی را آماده نقش پذیری در اجتماع می گرداند. روابط نزدیک و محبت آمیز افراد خانواده با یکدیگر از مهم ترین عواملی هستند که به ایجاد سازگاری شخصی و اجتماعی کودکان یاری می رساند (فخرزاد، ۱۳۸۵).

اجتماعی شدن افراد به معنای همسانی و همخوانی آنها با قواعد، ارزش ها و نگرش های گروهی و اجتماعی است. در این فرایند افراد مهارت ها، دانش ها و

شیوه های سازگاری را می آموزند و امکان روابط متقابل را در یک فعل و انفعال مستمر به دست می آورند (سرکار آرانی، ۱۳۷۳ به نقل از اخوان تفتی و موسوی، ۱۳۸۶).

مهارت اجتماعی، مجموعه ای از رفتارهای آموخته شده است که باعث آغاز کردن موفقیت و تداوم تعاملات اجتماعی مثبت و به عبارتی رشد اجتماعی می شود. مانند کمک کردن، آغاز کردن روابط، کنترل کردن خلق و خو (گریشام^۱، ۱۹۹۰ به نقل از بری و ارین^۲، ۲۰۱۰).

نشانگرهای اساسی رشد اجتماعی را می توان در انس و الفت نسبت به دیگران، اعتماد به نفس، پیروی از همسالان، گسترش فعالیت های اجتماعی، علاقه به انتقاد و اطلاع، رغبت به یاری دیگران و علاقه به رهبری جستجو کرد (فاتحی زاده، ۱۳۸۰ به نقل از امیرتاش، سبحانی نژاد، عابدی، ۱۳۸۵).

رشد اجتماعی مهم ترین جنبه وجود هر شخص است. چون فرض بر این است که کودکان بدون رشد اجتماعی داشتن مهارت های لازم قادر نیستند در تعامل اجتماعی با سایرین وظایف خود را انجام دهند (بیلمن^۳، ۱۹۹۴ به نقل از رهنما و علیین، ۱۳۸۴).

به عقیده ویگوتسکی^۴ (۱۹۷۸) و بندورا (۱۹۷۷)، تعامل اجتماعی یک فن و یک منبع غیر قابل اجتناب از رشد روانی کودکان است. کودکان در تعامل با دیگران، یاد می گیرند که چگونه رفتار، و چگونه

¹ - Gresham

² - Berry & Erin

³ - Beelman

⁴ - Vygotsky

قضاوت کنند (به نقل از خرازی و دل‌گشایی^۱، ۲۰۱۰،
).

کسانی که در زمینه رشد اجتماعی به شکوفایی
رسیده‌اند، به سطحی از مهارت در روابط اجتماعی
دست یافته‌اند که می‌توانند با مردم به راحتی
زندگی‌سازگارانه‌ای داشته باشند (ماسن، کانجر،
کیگان و هوستون^۲، ترجمه یاسائی، ۱۳۸۰).

کودکان با مهارت اجتماعی سطح بالاتر، تعامل مثبت
بیشتری با همسالان خود دارند. با این حال بعضی از
کودکان مهارت اجتماعی پایین‌تری نسبت به همسالان
خود دارند که با وارد شدن به اجتماع، مخصوصاً
مدرسه، کمبود مهارت اجتماعی آنان بارزتر می‌شود
(کیان^۳ و همکاران، ۲۰۰۴).

تحقیقات نشان داده است که معلمان نقش مهمی در
رشد اجتماعی کودکان دارند. ارتباط بین معلم و
کودک، بسیاری از خواص و عملکرد روابط مثبت و
نزدیک بین کودک و والدین را دارا است. به این
ترتیب پشتیبانی کردن از روابط با کیفیت بالا، یا
ارزش‌قائل شدن به این روابط، برای رشد اجتماعی
کودکان لازم است (بری و همکاران، ۲۰۱۰).

تشخیص رشد اجتماعی از رشد ذهنی بسیار مشکل است.
زمانی رشد اجتماعی حاصل می‌شود که بتوان به درجه
ای از توانایی در ارتباطات اجتماعی دست یافت که
به راحتی در اجتماع و بین دیگران زندگی کرد و
سازگاری داشت. تأثیر رشد اجتماعی در موفقیت شغلی

¹ - Kharrazi & Delgoshae

² - Mussen , Kanjer , Kegan & Hoston

³ - Keane